

# جنگ تمدنها گریبان یزید زین العابدین را گرفت



سیاوش اوستا

قهرمان پاشنه طلائی فوتبال فرانسه که سالهاست در حال افتخار آفرینی است جوانی است الجزایری که از ریشه بربرو قبائل شمال آفریقا است و هر چند او را بازیکنی عرب می خوانند، اما شمال آفریقای هائی که بربرو قبائلی هستند، مثل مایرانیها، بسیار حساسیت دارند تا دنیا بدانند که آنها عرب نیستند بلکه مردمانی هستند با پیش از سه هزار سال پیشینه تمدن. زبان که او را زری زوم هم می خوانند در اصل نامی دارد شیعه سنی؟! نام او زین العابدین یزید زیدان است جوانی آرام و کم حرف اما مثل خیلی از شرقی ها خیلی زود عصبانی می شود. لذا تاکنون به خاطر لگد کردن بازیکنان و یا با سر توی سینه آنها رفتن چندین کارت قرمز گرفته است که آخرین آن در آخرین بازی جهانی او بود با ایتالیا که تمامی دنیا دیدند و همه دارند درباره اش حرف می زنند.

مارکو ماترازی بازیکن ایتالیائی در دقیقه ۱۱۰ بازی، زیدان را از پشت سر گرفت و بعد دستهایش را به سوی عقب کشیده و چیزی به او گفت... هیچ یک از داورها حتی آنهاهی که از تلویزیون بازی را می دیدند این شوخی ناموسی بازیکن ایتالیائی را با زیدان ندید و اگر هم دیدند از کنارش گذشتند، اما یک دقیقه بعد که زیدان بسوی جلو آقا مارکو دویده و با سر به سینه او زد و او را نقش بر زمین کرد. داور چهارم که از تلویزیون بازی را می دید و شاهد این عملیات بود به داور روی زمین دستور اخراج زیدان را داد. فرانسه جام جهانی را باخت.

اما کل بحث متمرکز شد روی عملیات خشن زیدان. بدون این که به حرکت سگسی و واژه های ناموسی مارکو علیه زری زو اشاره ای بشود، می گویند فحاشی در بازی ها مسئله ای عادی است. اما این ها همه غافل از آنند که در فرهنگ اسلامی و جهان تعصبی، نگرش فحاشی ناموسی سلام و علیک و چشم پوشی نیست. خصوصا این که مارکو ماترازی از پشت زیدان را گرفته دست هایش را کشیده عملیات را و سخنان را جلو میلیون ها نفر انجام داده است و هر چند حرف ها را کسی جز زیدان نشنید اما عمل را همه دیدند.

در رسانه های غرب از ایتالیائی ها تا فرانسوی ها همه زیدان را نکوهش می کنند که چرا با سر رفت تو شکم مارکو. اما هیچکس از در آغوش گرفتن پشیمی زیدان حرفی نمی زند. خصوصا این که سه توهین به یزید زین العابدین نشانه رفته است: فحش ناموسی آن هم برای مادری که مریض است. فحش ملی بر علیه فرانسوی ها و الجزایری ها که وارد مسئله نژادپرستی می شود.

انجام نمایشی عملیات ناموسی، با در آغوش گرفتن از پشت زیدان. یکی از گزارشگران در تلویزیون می گفت این فرهنگ خشن و تند و غیر قابل تحمل اسلامی است که اگر کسی به کسی فحش بدهد برخورد فیزیکی با او خواهد شد و او با این مسئله و مثال نتیجه می گرفت که کلا فرهنگ متعصب اسلامی است که تحمل بدگویی را ندارد و هر حرفی را با عملیات خشن انجام می دهد. دهها گل طلائی و جانفشانی در میدان های فوتبال را می شود به راحتی فراموش کرد و وارد بازی جنگ تمدن ها شد و زیدان را برای یک عملیات سر به سینه محکوم کرد. این پرسشی است که این روزها مطرح است. اگر زیدان اسمش ژان فلیپ یا میشل و فرانسوا بود رسانه ها به گونه ای دیگر با مسئله برخورد می کردند و این نمایانگر اوج جنگ تمدن هاست که قضاوت در رابطه با اعمال اشخاص به نام و ریشنه و خانواده آنها برمی گردد نه به شخصیت فرد مورد نظر.

www.awesta.net

## مصاحبه اختصاصی نیمروز با مهندس هوشنگ

### سیحون پدر معماری نوین ایران

پ: صحبت از ساختن سدهائی است که به آثار باستانی صدمه می زند مثل سد سیوند.

س: سد سیوند که به جای خود، مشکل دیگر تنگه بلاغی است، طبق گزارش هائی که من گرفتم، اول می گفتند این سد منطقه ای در حدود ۵۰ ناحیه حفاری شده و اکتشاف نشده آثار باستانی را در برمی گیرد بعد باستان شناسان از داخل و خارج با عجله رفتند و پی بردند که ۵۰ ناحیه نیست بلکه ۱۷۰ ناحیه زیر آب می رود. در صورتی که آنجا آثار زیرخاکی بسیاری است که باید کشف و مطالعه شود و مورد بررسی قرار گیرد.

اگر این سد آب گیری شود و این مناطق زیر آب برود لطمه بزرگی برای منابع زیرزمینی است.

پ: این سد کجا قرار دارد؟

س: در پاسارگاد، گفته می شد که آب این سد آرامگاه کورش را هم می گیرد ولی بعد گفتند این طور نیست.

پ: پس این سد سیوند چیست؟

س: آن هم همان نزدیکی هاست که اگر آب گیری شود تا نزدیک آرامگاه کورش را می گیرد. تازه فرض کنیم نگیرد ولی خود این سد و دریاچه ای که پشت آن ایجاد می شود از نظر آب و هوا روی محیط زیست و روی همه بناهای قدیمی اثر گذار خواهد بود. این بناها در شرایط جغرافیائی خاصی شده است که رطوبت آن طی قرن ها به اندازه معینی بوده و ثابت مانده که حالا عوض می شود و معلوم نیست که این رطوبت با بناهای قدیمی چه می کند؟ این موضوع مایه نگرانی زیادی است.

پ: مستعمل است، باید بگوئیم با این ندانم کاری ها خداوند آخر و عاقبت میهن ما را خشم به خیر کند.

س: الهی آمین.

پ: به هر حال از این که وقت خود را به ما دادید تا این گفتگو را با شما داشته باشیم بسیار متشکریم.

از خداوند مسألت داریم که وجود شما را به سلامت بدارد. تا بتوانید باز هم به کارهای مفید هنری ادامه دهید. می بینم که هنوز نقاشی می کنید. آیا کتاب نفیسی که حاوی نمونه های آثار شماست و نسخه ای در اختیار من است و نسخه ای هم به کتابخانه مطالعات ایرانی در لندن اهداء نمودید، جلد دوم ندارد؟

س: چرا، جلد دوم حاضر است ولی منتظریم که یک ناشر جدید پیدا کنیم. پ: موفق باشید. مجدداً از جنابعالی تشکر می کنم.

# نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق

تحقیق: جلال متینی

تصویب ماده واحده  
انقراض قاجاریه

ای صادر کرد و در آن رسماً اعلام کرد پادشاه قانونی و مشروطه ایران است...» (عاقلی، روزشمار ۲۰/۱).

ولی البته کار از صدور اعلامیه و امثال آن گذشته بود.

## حکومت موقت والاحضرت اقدس

پس از سخنان دولت آبادی، نایب رئیس درباره دو قسمت آن مطالبی اظهار داشت که دولت آبادی به آنها پاسخ داد. بعد نایب رئیس گفت چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند نسبت به این پیشنهاد (ماده واحده) با ورقه اخذ رأی شود. در پایان جلسه بار دیگر ماده واحده قرائت شد و با ورقه اخذ رأی به عمل آمد و نتیجه آن به این شرح اعلام گردید:

«تصویب رئیس - عده حضار ۸۵، تصمیم مجلس و ماده واحده به اکثریت ۸۰ رأی تصویب شد.»

توضیح آن که مدرس و تقی زاده و علائی و دکتر مصدق که پس از مخالفت با ماده واحده از جلسه خارج شده بودند و در موقع رأی گیری حضور نداشتند، نامشان در فهرست «غائبین بی اجازه» ذکر شده است، نام میرزا محمدتقی بهار ملک الشعراء در زیر عنوان «دیروامدگان با اجازه» آمده - که البته به ماده واحده رأی نداده است - و نام یحیی دولت آبادی جزو «غائبین با اجازه».

با آن که مخالفان ماده واحده، بعضی به ایجاز و بعضی به اطناب سخن گفتند (براساس آنچه در این مقاله آمده است، مدرس: ۴ سطر، تقی زاده: ۲۶ سطر، علاء: ۷ سطر، دکتر مصدق ۱۳۴ سطر، دولت آبادی: ۹۹ سطر)، چکیده سخنانشان چیزی جز این نبود که ماده واحده برخلاف قانون اساسی است. مدرس و علاء به قاجاریه و سردار سپه اشاره ای نکردند. تقی زاده بی ذکر نام سردار سپه از خدمات او یاد کرد. دکتر مصدق و دولت آبادی از قاجاریه انتقاد کردند و از سردار سپه و اقداماتش تجلیل. دکتر مصدق نیز افزود که اگر سردار سپه پادشاه شود و بخواهد بر طبق قانون اساسی پادشاه غیر مسئول باشد، مملکت از وجود او سودی نخواهد برد و اگر پادشاه بشود و در امور اجرائی دخالت کند، دیگر پادشاه مشروطه نخواهد بود. مخالفان - به جز دولت آبادی - پس از پایان سخنانشان جلسه علنی مجلس را ترک کردند و در نتیجه، نه به ماده واحده رأی مخالف دادند و نه در برابر اکثریت مجلس طرحی برای اداره امور مملکت در آن وضع بحرانی ارائه نمودند.

## تشکیل مجلس مؤسسان: سلطنت رضاشاه پهلوی

مجلس مؤسسان در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ در تکیه دولت تشکیل شد. «مجلس با خطابه والاحضرت اقدس افتتاح و بلافاصله شروع به کار کرد...»

## باسمه تعالی

«الیه آقایان محترم از علل و پیشامدهائی که باعث انعقاد مجلس مؤسسان گردیده است اطلاع کامل دارند و می دانند که مجلس شورای ملی که به موجب قانون اساسی، نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است، برحسب ضرورت و برای متابعت از میل و افکار ملت که در تمام ایران ابراز و اظهار شده بود، برای نیل به استقرار حکومتی که مرام ملی را بهتر تأمین نماید، سلطنت را از سلسله قاجار منتزع نموده، ریاست حکومت را موقتاً به عهده این جانب محول ساخته و انعقاد مجلس مؤسسان را برای تعیین تکلیف، امر لازم و مقتضی دانست. این بود که این جانب حسب التکلیف و بنابه تصمیم و تصویب مجلس شورای ملی ملت را به تعیین و انتخاب امنای خود در جهت این مقصود مهم دعوت کردم و ملت نیز شما را منتخب نمود. اینک بعون الله و توفیق الهی آن وظیفه را که معظمترین وظایف ملی و مملکتی است برحسب رأی ملت به شما واگذار نموده و شما را دعوت می کنم که صلاح و خیر مملکت را در نظر گرفته و در هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال خود دانسته، آنچه وجدان شما بر آن حکم می کند به موقع عمل بگذارید. چون در این امر حساس، طول مدت بی تکلیفی برای مملکت ممکن است جلب مضرات و مفاصد نماید، مقتضی است حتی الامکان در انجام وظیفه تسریع نمایید. در خاتمه امیدوارم خداوند تبارک و تعالی شما را موفق و مؤید بدارد. در مدت نطق افتتاحیه شلیک توپ ادامه داشت و والاحضرت اقدس پهلوی به همان طریق بازگشتند.» (بهبودی، ۲۶۵-۲۶۶).

## ماده واحده و قانون اساسی

در این امر تردید وجود ندارد که طرح ماده واحده مورد بحث در مجلس شورای ملی برخلاف قانون اساسی بوده است. زیرا رسیدگی به چنین کار مهمی فقط در شان «مجلس مؤسسان» است. سؤالی که به نظر می رسد آن است که چرا اکثریت مجلس شورای ملی، در برابر تقاضای مردم برای خلع قاجاریه، موضوع تشکیل مجلس مؤسسان را مطرح نکرد و از سوی دیگر چرا مخالفان ماده واحده نیز در سخنان خود در مجلس شورای ملی به ضرورت تشکیل مجلس مؤسسان برای رسیدگی به این امر اشاره ای نکردند. البته دکتر مصدق ۲۶ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۰- وقتی که کار از کار گذشته بود، در خاطرات خود نوشت: «مجلس حق نداشت سلسله قاجار را از سلطنت خلع کند و این کار را می بایست مجلس مؤسسان می کرد.» (خاطرات، ۲۴۳).

## احمدشاه: من پادشاه قانونی مشروطه ام

احمدشاه که در این هنگام در پاریس به سر می برد و به توسط طرفدارانش از آنچه در ایران می گذشت باخبر می شد، در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۰۴ در پاریس اعلامیه



زاده خراسانی و بعد هم امام جمعه تهران همراه ظهیرالاسلام شرفیاب شدند.» (۱۱۷).

۲۳ حوت [اسفند] ۱۳۰۲: «مصداق السلطنه عصر شرفیاب شد.» (۱۱۹).

۱۵ حمل [فروردین] ۱۳۰۳: «مصداق السلطنه که استدعای شرفیابی کرده بود، به شنبه صبح موکول و شرفیاب شد.» (۱۲۸).

۲ ثور [اردیبهشت] ۱۳۰۳: «مشار اعظم رئیس کابینه اجازه خواست که فردا شب هیأت تشکیل می شود و افطار هم تهیه کنند. فرمودند: از ذکاءالملک سؤال کنید. مصداق السلطنه عرض می کرد: برای آامن حضرت اشرف به مجلس و انتخاب کمیسیون ها با رئیس مذاکره کردم، قرار شد اگر لازم شد به رئیس مجلس تلفن کنیم. احتیاجی نشد.» (۱۴۱).

۲۵ سنبله [شهریور] ۱۳۰۳: «... مصداق السلطنه به مناسبت کسالتی که داشت توانسته بود شرفیاب شود.» (۱۷۶).

۷ عقرب [آبان] ۱۳۰۳: «ساعت ۱۰ برحسب تعیین وقت قبلی مصداق السلطنه در وزارت جنگ شرفیاب شد.» (۱۹۲).

۱۲ دلو [بهمن] ۱۳۰۳: «... حضرت اشرف فرمودند به مصداق السلطنه که مانتظر خبر ایشان هستند. به ایشان که گفتیم اظهار داشت: الساعه در منزل علائی راجع به همان مسأله مشغول هستم و ممکن است فردا یک ساعت از شب گذشته شرفیاب شوم. به عرض رسانیدم.» (۲۰۱).

۱۳ دلو [بهمن] ۱۳۰۳: «بعد از ظهر مصداق السلطنه عرض کرد: آقایان الساعه این جا هستند هنوز مذاکره خاتمه نیافته است، تا نیم ساعت دیگر شرفیاب می شویم. به عرض حضرت اشرف رساندم، در انتظار ماندند.» (۲۰۱).

۱۸ دلو [بهمن] ۱۳۰۳: «... ۹ بعد از ظهر مصداق السلطنه اظهار کرد: مؤتمن الملک سؤال می کند: چه موقع حضرت اشرف به مجلس تشریف می آورند تا نمایندگان فراکسیون ها حاضر باشند؟ حضرت اشرف ساعت ۸ صبح را تعیین فرمودند و اجازه فرمودند بنده به مؤتمن الملک این موضوع را بگویم. وقتی گفتیم ایشان اظهار داشتند: ساعت ۸ صبح نمی شود و کلا را حاضر کرد. مجدداً مصداق السلطنه اظهار داشت که: مؤتمن الملک می گوید: خوب است از منزل حضرت اشرف مستقیماً اطلاع دهند. وقتی این موضوع را به عرض رساندم حضرت اشرف جوابی نفرمودند.» (۲۰۴-۲۰۵).

۱۹ دلو [بهمن] ۱۳۰۳: «... مصداق السلطنه که میخواست شرفیاب شود، اجازه فرمودند نزدیک غروب شرفیاب شود و بعد مجدداً فرمودند، حالا بیاید...» (۲۰۵).

۲۴ دلو [بهمن] ۱۳۰۳: «مصداق السلطنه را اجازه فرمودند شرفیاب شود.» (۲۰۷).

اول آبان ۱۳۰۴: «... بعد از ظهر کلنل ماک کرماک به اتفاق مصداق السلطنه شرفیاب شدند.» (۲۴۹).

برقرار خواهد بود» و سرانجام «روز یکشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دامت سلطنته در عمارت سلطنتی گلستان به عمل آمد.» (بهبودی، به ترتیب، ۲۶۷، ۲۸۱).

«در ۱۱ آبان «فرمان آزادی تمام زندانیان سیاسی از طرف رضاخان پهلوی صادر شد.» «در ۲۴ آذر رضاشاه پهلوی پادشاه جدید ایران در مجلس شورای ملی حضور یافته طبق قانون اساسی مراسم تحلیف به جای آورد.» وی «در ۲۵ آذر بر تخت مرمر جلوس نموده پادشاهی خود را اعلام کرد.» پس از تغییر سلطنت، محمدعلی خان ذکاءالملک وزیر مالیه از طرف رضاخان پهلوی به کفالت ریاست وزراء منصوب شد و در ۲۸ آذر ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی به رئیس الوزرائی وی ابراز تمایل کرد و فرمان رئیس الوزرائی او از طرف رضاشاه صادر شد. در ۱۶ خرداد ۱۳۰۵ حسن مستوفی ذکاء الملک به ریاست وزراء منصوب گردید.» (عاقلی، روزشمار، به ترتیب ۲۰۰/۱-۲۰۲، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۰۹).

## تناقض ها

در جلسه ۹ آبان ۱۳۰۴ پس از قرائت طرح انقراض سلسله قاجاریه، که از سوی اکثریت نمایندگان به مجلس شورای ملی تقدیم شده بود، دکتر مصدق ضمن تأیید برخی از اقدامات سردار سپه، آن طرح را برخلاف قانون اساسی اعلام کرد و دلایل خود را نیز اظهار داشت. چرا وی قبلاً در جلسه ۲۷ اسفند ۱۳۰۲ که طرح انقراض سلطنت قاجاریه و تغییر رژیم کشور از سلطنت به جمهوریت از سوی اکثریت نمایندگان به مجلس تقدیم شده بود، با وجود حضور در آن جلسه و جلسات بعد، کلامی در مخالفت با این طرح بر زبان نیاورد؟ آیا طرح جمهوریت موافق قانون اساسی بوده است؟ از طرف دیگر چرا او در مورد قانون شکنی نظامیان، حداقل به مانند معتمدالتجار و مدرس سردار سپه را در مجلس مورد اعتراض قرار نداد؟ و چرا به همراه چند تن از نمایندگان مجلس به رود هن رفت و سردار سپه رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا را به پیش از این به چیزی کمتر از ریاست جمهوری رضایت نداده بود و احمدشاه نیز او را عزل کرده بود - به تهران برگردانید و...؟ و چنین است موافقت وی با سلب «ریاست عالیه کل قوای دفاعیه و تأمینیه مملکتی» از احمدشاه و واگذاری آن به سردار سپه در مجلس شورای ملی.

سؤالی که به نظر می رسد آن است که آیا در فاصله ۲۶ بهمن ۱۳۰۳ (تاریخ سلب فرماندهی کل قوا از احمدشاه) تا ۹ آبان ۱۳۰۴ بین سردار سپه و دکتر مصدق اختلافی به وجود آمده بوده است که دکتر مصدق، به عنوان عکس العمل، با طرح انقراض سلطنت سلسله قاجاریه به مخالفت پرداخت؟

## ملاقات های دکتر مصدق با سردار سپه در سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۳

۳ سنبله [شهریور] ۱۳۰۲: «به مناسبت این که دست مصداق السلطنه شکسته و در منزل بستری بود فرمودند از ایشان احوالپرسی کنم. از مراجع حضرت اشرف تشکر کرد و اظهار داشت: از وقتی که علمار برای حضرت اشرف بفرستند. آقای رئیس الوزراء فرمودند: تلگراف نزد مصداق السلطنه است. فوراً به وزارت خارجه گفتیم. تلگراف را فرستادند و به عرض حضرت اشرف رساندم.» (ص ۵۴).

۲ سنبله [شهریور] ۱۳۰۲: «... مناسبت این که دست مصداق السلطنه شکسته و در منزل بستری بود فرمودند از ایشان احوالپرسی کنم. از مراجع حضرت اشرف تشکر کرد و اظهار داشت: از وقتی که دستم را گچ گرفته اند درد ساکت شده است.» (۵۹).

۹ حوت [اسفند] ۱۳۰۲: «مروز ۴ بعد از ظهر مصداق السلطنه، آیت الله سلیمان بهبودی... (از صفحه ۲۱ تا